

همه مسافران زنده ماندند

سقوط وحشتناک هواپیمای مسافربری در اقیانوس



گروه حوادث: همه مسافران پرواز وحشتناک بر فراز اقیانوس آرام از مرگ درناک نجات یافتند. این هواپیما در دریا فرود آمد و در حالیکه لحظه به لحظه در عمق دریا فرو می رفت مسافران و خدمه نجات یافتند.

بامداد وحشتناک
هواپیمای مسافربری بوئینگ متعلق به خطوط هوایی «ایر نیوگینی» بامداد دیروز -جمعه- در آب‌های اقیانوس آرام و در نزدیکی جزیره میکرونزی داخل دریا افتاد، به گفته رسانه‌های محلی،

هواپیما به دلایل نامشخص باند فرودگاه را رد کرد و در انتهای باند در آب‌های اطراف فرود آمد. این هواپیما ۳۶ مسافر و ۱۱ خدمه داشت. نیمی از هواپیما در همان لحظات اولیه به زیر آب فرو رفت اما نیروهای امدادی و افراد محلی

توانستند سر نشینان را نجات دهند. به هیچ‌یک از سر نشینان آسیب جدی نرسیده است و همه آنها برای معاینات پزشکی به بیمارستان منتقل شده‌اند. جیمی امیلیو، مدیر کل فرودگاه میکرونزی می‌گوید: هواپیما باید



۱۰ کشته به دلیل مصرف مشروبات زوج بندر عباسی

فرمانده انتظامی شهرستان بندرعباس از دستگیری زن و شوهری که مبادرت به ساخت مشروبات دست‌ساز می‌کردند و سر کرده اصلی و توزیع‌کننده آن، خبر داد. سرهنگ «اسماعیل مشایخ» در خصوص پرونده مسمومان الکلی در بندرعباس افزود: با تلاش‌ها و پیگیری‌های پلیسیک‌زن و شوهر سازنده مشروبات الکلی توسط پلیس امنیت عمومی شناسایی و دستگیر شدند و بابت این که هم‌اکنون این زوج در کلاتری ۱۱ به‌سر می‌برند، تصریح کرد: این دو فرد خانه‌شان را به کارگاه تهیه و ساخت مشروبات الکلی تبدیل کرده بودند. فرمانده انتظامی شهرستان بندرعباس با اشاره به این که بازجویی و تحقیقات نیز از این افراد نیز ادامه دارد، همچنین سر کرده اصلی که توزیع‌کننده این مشروبات دست‌ساز بوده و از افراد سابقه‌دار است هم‌اکنون دستگیر شده و بازجویی‌ها از این فرد ادامه دارد. از دیروز نیز تعداد ۱۱۸ نفر در بندرعباس نیز دچار مسمومیت الکلی شده‌اند که از این تعداد ۱۰ نفر فوت شده و ۵۲ نفر دیالیز شده‌اند.

قتل‌های سریالی که در تاریخ شیراز ماندند

مسافری از هند ۸ زن و ۲ مرد شیرازی را کشت و در زیر زمین خانه‌اش دفن کرد.

زندگی قاتلان و تبهکاران معروف ایران که سرنوشتی جز چوبه‌دار نداشتند، به نوعی از زبان خودشان خواندنی است. درباره این قتل‌های خوابیم: محمدعلی و کیلی هستم. سال ۱۲۸۷ خورشیدی در شیراز به دنیا آمدم. پدر و مادر ما با هم اختلافات شدیدی داشتند و پنج‌بهار از زندگی‌ام گذشته بود که از هم جدا شدند. پدرم سرپرستی مرا قبول کرد. او تصمیم گرفت به حیدرآباد هندوستان برود و آنجا زندگی کند. خیلی زود تصمیمش عملی شد و ما به حیدرآباد رفتیم. من زندگی در ایران را بیشتر دوست داشتم و بیست سال بعد در حالی که ۲۵ سال داشتم به ایران بازگشتم. به زادگاهم در شیراز رفتم و خانهای در محل آب از فردی به نام قمبر سیاه‌جاره کردم. در شیراز به سیف‌القلم معروف شده بودم. از زنان بدم می‌آمد و هیچ‌وقت از دواج نکردم. با آگهی در روزنامه مدعی شدم که دکتر گیاهی از هندوستان هستم و داروی درمان نازیلی دارم. دوست داشتم انتقام بگیرم. به همین خاطر هر بیماری که برای درمان نزد می‌آمد، با ساینور می‌کشتم. ساینور را داخل شرتی می‌ریختم و به عنوان داروی نازیلی به بیماران می‌دادم. آنها هم با خوردن شربت، مسموم می‌شدند و جان خود را از دست می‌دادند و من جسد را در زیر زمین خانه دفن می‌کردم. من علاقه زیادی به خواندن کتاب «راسپوتین» دارم و در کتاب خواندم کشیش فوق برای کشتن قربانیان در نوشیدنی‌شان ساینور می‌ریخته و من هم با سرعت طلاهای زنان و فروش آنها، زندگی می‌گذراندم. البته زندگی که نه، عیاشی می‌کردم. با گزارش ناپدید شدن زنان، ماموران به دنبال آنها بودند که طلاهای دو نفر از قربانیان در طلا فروشی پیدا شد و به من رسیدند و سال ۱۳۱۴ دستگیرم کردند. ابتدا منکر اطلاع از سرنوشت زنان شدم اما آنها خانه‌ام را بازرسی کردند و در زیر زمین بقایای جسد هشت زن و دو مرد را پیدا کردند و مجبور شدم اعتراف کنم. در دادگاهی جنجالی محاکمه و سرانجام حکم اعدام برایم صادر شد و سال ۱۳۱۴ اعدام شدم.

دستگیری دزدان کارگاه دندانبز شکی

رئیس کلانتری ۱۱۱ هفت چنار از شناسایی و دستگیری سارقان کارگاه دندانبز شکی خبر داد. سرهنگ قدرت‌اله حق پرست اظهار داشت: چندی پیش با تماس تلفنی یکی از مالباختگان مطلب دندانبز شکی مبنی بر سرقت تجهیزات کارگاهش، تیمی از ماموران کلانتری برای بررسی موضوع به محل اعزام و دستگیری سارق باسارقان را در دستور کار قرار دادند. وی در ادامه گفت: ماموران در تحقیقاتی که از صحنه جرم انجام دادند، رد پای از حضور ۲ سارق حرفه‌ای در کارگاه به دست آوردند و در نهایت با پایش اطلاعاتی مخفیگاه آنان را در همان حوالی شناسایی کردند. به این ترتیب با هماهنگی مقام قضائی تیمی از ماموران کلانتری برای دستگیری سارقان و بازرسی از مخفیگاه آنان اعزام که موفق شدند در یک عملیات ضربتی ضمن دستگیری آنان ۴۰ قلم اموال کارگاه دندانبز شکی را کشف کنند. رئیس کلانتری محله هفت چنار با اشاره به ارزش ریالی اموال مسروقه، ادامه داد: کارشناسان اموال کشف شده را یک میلیارد ریال برآورد کرده‌اند. سرهنگ حق پرست بیان داشت: شاکي به کلانتری دعوت و ضمن اخذ رسیداری اموال کشف شده به وی تحویل و متهمان برای سیر مراحل قانونی تحویل مرجع قضائی شدند.



مخفیگاه ویلایی
در چنین شرایطی و با انجام اقدامات ویژه پلیسی سرانجام مخفیگاه علیرضا. الف ۳۸ ساله که به ویلایی در شهرستان محمودآباد پناه برده بود شناسایی و در حالیکه همه تصور می‌کردن او پزشک است در اقدامی غافلگیرانه اورا دستگیر کردند.

اعتراف
علیرضا. الف که سعی داشت خود را بی‌گناه نشان دهد وقتی پیش روی زنان و دختران فریب خورده قرار گرفت چاره‌ای جز اعتراف ندید و گفت: پس از آشنایی اولیه در دوره زمانی سه تا چهار روزه یا از طریق شبکه‌های مجازی یا ملاقات حضوری با زنان و دختران جوان صورت می‌گرفت، در نقشش دکتر، مهندس یا استاد دانشگاه اعتماد آنها را جلب می‌کردم و در ادامه پیشنهاد خرید خودرو با شرایط ویژه و در حالیکه همه تصور می‌کردن بزرودی یا من از دواج کرده و به خارج خواهند رفت پس از دریافت پول ارتباط خود را با افراد قطع می‌کردم.

وی ادامه داد: من بیشتر از طریق سایت‌های همسریابی به ویژه سایت همسریابی شیدایی و همچنین فیس‌بوک طعن‌ها می‌کردم. انتخاب می‌کردم. در سایت همسریابی مدت زمان آشنایی تا زمان تحویل پول سه تا چهار روز به طول می‌انجامد و با انجام اقدامات علیرضا. الف ۳۸ ساله که به ویلایی در شهرستان محمودآباد پناه برده بود شناسایی و در حالیکه همه تصور می‌کردن او پزشک است در اقدامی غافلگیرانه اورا دستگیر کردند.

بود، او تلفن همراهش را خاموش کرده اما یک شب زمانیکه من و مادرم برای رفتن به میهمانی قصد استفاده از جواهرات و طلاجات خود را داشتیم متوجه شدیم که همه طلاهایمان سرقت شده و آن زمان بود که فهمیدیم علیرضا به جز کلاهبرداری ۱۰۰ میلیون تومانی همه طلاهای من و دیگر اعضای خانواده‌ام را سرقت کرده است.

شکارهای مشابه

کارآگاهان که خود را در برابر یک شگردهای خاص و حرفه‌ای دیدند به بررسی‌های تخصصی دست زدند و خود را با شکارهای مشابه مرد شیداد که در تهران و شهرهای دیگر زنان و دختران را به دام خود کشانده بود مواجه شدند. کارآگاهان پایتخت اطلاع پیدا کردند که علیرضا به جز تهران، در شهرهای مشهد، اصفهان و کرمان نیز دقیقاً به همین شیوه و شگرده و به بهانه سرمایه‌گذاری و پیش خرید خودرو با شرایط ویژه و در چندین مورد نیز به بهانه مجوز اقامت دائم در کشورهای عضو اتحادیه اروپا از تعدادی از زنان جوان و خانواده‌هایشان کلاهبرداری شده و در آنجا نیز علیرضا. الف خود را به عنوان دانشمند هسته‌ای، استاد دانشگاه، دکترای رشته برق و ... اعتماد زنان ساده لوح را جلب و نقشه کلاهبرداری و سرقت‌های طلایی را اجرایی کرده است.

رها کردن زن و بچه

کارآگاهان در اقدامات تخصصی و فوق تخصصی خیلی زود مرد شیدار را ردیابی کردند و در یافتن این مرد با کلاس بر خلاف ادعایش مجرد نیست و نه تنها از دواج کرده بلکه دختر ۸ ساله‌ای دارد.

همین تجسس‌ها نشان داد علیرضا از مدت‌ها پیش خانه و خانواده خود را رها کرده و هیچ اطلاعی از وی در اختیار خانواده‌اش نیست.

پیشنهاد از دواج داد.

رنا گفت: علیرضا خیلی به من نزدیک شد و همین باعث شد تا او را به خانواده‌ام معرفی کنم و او با نشان دادن ظاهری کاملاً آراسته و بسیار خوب توانست تا اعتماد اعضای خانواده‌ام را نیز به دست آورد.

زن جوان ادامه داد: چندین نوبت در خصوص محل زندگی علیرضا در تهران، من و خانواده‌ام از او سوال کردیم که او ادعا کرد در هتل‌های چند ستاره نظیر استقلال، آزادی و .. برای او یک سوئیت پیش‌بینی شده اما به واسطه حساسیت کاری باید هر بار پس از گذشت مدت کوتاهی محل اقامتش را در هتل‌ها تغییر دهد و به این ترفند و حيله در حال حاضر عمل‌ناشنای مشخصی از وی در اختیار مانیتست.

کلاهبرداری میلیونی

رنا در خصوص شگردهای علیرضا. الف به کارآگاهان گفت: با گذشت چند روز از زمان موافقت خانواده‌ام با پیشنهاد از دواج علیرضا، یک روز علیرضا گفت که به واسطه ارتباطاتی که با برخی مدیران رده بالا پیدا کرده می‌تواند با شرایطی ویژه اقدام به خرید خودرو از شرکت‌های خودروسازی برای من و اعضای خانواده‌ام کند. با استقبال از این پیشنهاد، اعضای خانواده و حتی تعدادی از بستگان نزدیک من بیش از ۱۰۰ میلیون تومان برای ثبت نام سفارش خودرو به علیرضا پرداخت کردیم اما با گذشت چند روز، ناگهان گوشی تلفن همراه علیرضا خاموش شد و ما دیگر از وی هیچ اطلاعی نداریم.

سرقت‌های طلایی

رنا در خصوص سرقت طلاهای خود و خانواده‌اش گفت: چند روزی از خاموش شدن گوشی تلفن همراه علیرضا گذشته بود در این مدت تصور ما این بود که به خاطر حساسیت پروژه تحقیقاتی که علیرضا از آن صحبت کرده

گروه حوادث: دانشمند فیزیک هسته‌ای که با پیشنهادهای وسوسه‌آمیز زنان و دختران را شکار می‌کرد کسی جز شیداد دروغگو نبود.

این مرد خوش تیپ با چرب زبانی در سایت‌های مجازی بوژه در سایت همسریابی به کمین می‌نشست. علیرضا خود را یک شخصیت دولتی بانفوذ یا علمی معرفی می‌کرد و با دادن پیشنهاد سرمایه‌گذاری در بازار خودرو، مجوز اقامت در کشورهای اروپایی و حتی خواستگاری اقدام به کلاهبرداری از زنان ساده لوح و خانواده‌های آنها می‌کرد.

آشنایی در فیس‌بوک

روز نهم مردادماه سال جاری با دستور بازپرس شعبه دهم دادسرای ناحیه ۳ تهران تیمی از اداره ۱۳ پلیس آگاهی تهران برای رازگشایی از یک ماجرای پیچیده وارد عمل شدند. کارآگاهان در برابر زنی جوان و آشفته قرار گرفتند که هنوز باور نداشت همه رویاهایش یک شب به کابوس تبدیل شده است. رنا ۳۰ ساله فاش کرد او و اعضای خانواده‌اش در دام شوم مردی به نام علیرضا افتاده‌اند.

رنا با صدا بی‌پراز بغض گفت: از طریق شبکه فیس‌بوک با مردی به نام علیرضا. الف آشنا شدم که ادعای کردارای اقامت دائم در کشور آمریکا ست و دانشمند فیزیک هسته‌ای است که جهت انجام پروژه‌های تحقیقاتی به ایران دعوت شده است.

خواستگاری وسوسه‌آمیز

وی افزود: مدت کوتاهی از طریق فیس‌بوک با یکدیگر در ارتباط بودیم و پس از آن با هم قرارهایی گذاشتیم و دیدم مردی بسیار شیک پوش و با کلاس است همین کافی بود تا اینکه پس از مدت کوتاهی من به ایشان علاقه‌مند شدم و در همین مدت کوتاه علیرضا هم



گروه حوادث: قاتل مغازه مرغ فروشی پس از ۴ روز فرار دستگیر شد.

این سرعت عمل پلیسی به دام بیافتد. ساعت ۶ عصر یکشنبه نخستین روز مهر ماه سال سناریوی درگیری مرگبار ۲ جوان در مغازه مرغ فروشی به ماموران کلانتری ۱۱۴ غیائی مخابره شد و تیمی از

قاتل فراری به دام افتاد

جزییات شوخی مرگبار در مرغ فروشی

در گردن پسر جوان جای می‌گیرد در همان مغازه به کام مرغ فرو می‌رود. همین کافی بود تا ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران به دستور بازپرس مرادی برای دستگیری عامل این جنایت که جوان ۲۲ ساله به نام احمد است وارد عمل شوند. تجسس‌های پلیسی ادامه داشت تا اینکه کارآگاهان پی بردند که احمد قصد خروج غیرمجاز از کشور را دارد. تیم جنایی با اقدامات فنی و پلیسی موفق شدند مخفیگاه احمد را در یکی از شهرهای مرکزی ردیابی کنند و شامگاه چهارشنبه ۴ مهرماه، جوان افغان را دستگیر کردند.

بنا به این گزارش، متهم برای تحقیقات بیشتر در اختیار ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران قرار گرفته است.

ماموران در محل حاضر شدند. ماموران با حضور در محل مشاهده کردند که پسر جوانی از ناحیه گردن هدف چاقو قرار گرفته است. بدین ترتیب تیمی از ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران همراه بازپرس مرادی از شعبه ۲ دادسرای امور جنایی برای تحقیقات ویژه وارد عمل شدند. کارآگاهان در گام نخست پی بردند که ۲ جوان افغان که در مغازه مرغ فروشی نزدیک چهارراه عارف مشغول به کار بودند و با هم شوخی می‌کردند که در ادامه این شوخی‌ها بین آنها درگیری رخ داده است.

ماموران در ادامه کاوش‌ها متوجه شدند که مقتول که جوان ۱۸ ساله است در این درگیری با یک بیل قصد حمله به همکارش را داشته که جوان ۲۲ ساله چاقوی سلاخی را به سمت دوستش پرت می‌کند که چاقو